

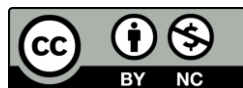
تأثیر نیازهای امنیت هستی‌شناختی بر شکل‌گیری اتحادها و ائتلافها در روابط بین‌الملل: موردپژوهی رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی

سام محمدپور، محمدرضا سعیدآبادی  ID

گروه مطالعات اروپا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مشخصات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی موضوع: مطالعات بین‌الملل حوزه موضوعی: بریتانیا و آمریکا تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۰۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۲۲	<p>درحالی که بسیاری از اتحادهای بین‌المللی، به دلیل بروز تعارض منافع میان اعضای آن، سرانجام در حفظ و تداوم خود با شکست مواجه می‌شوند، رابطه ویژه میان بریتانیا و ایالات متحده، علی‌رغم وجود تعارض‌های منافع بین دو متحد، نه تنها از همکاری‌ها در چند حوزه خاص فراتر رفته، بلکه به بخش مهمی از هویت سیاستگذاری خارجی دو کشور تبدیل شده است. این رابطه، به‌ویژه برای بریتانیای پس از جنگ، اهمیتی دوچندان دارد تا بتواند جایگاه متزلزل‌شده خود را در نظام بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم ترمیم کند و بخشی از گذشته شکوهمند خود را بازیابد. در پژوهش حاضر، نخست این مسئله تبیین شده است که در رویکردهای جریان اصلی، همچون رئالیسم و لیبرالیسم، توضیح کاملی از چرایی پایداری رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی در زمان بروز تعارض منافع به دست نمی‌آید. در این رویکردها شکل‌گیری اتحادها امری برونزاد و بر اساس اصول کلی مانند هزینه‌فایده یا منافع جمعی نگریسته می‌شود. در ادامه با کاربری نظریه امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل و تبیین مزیت‌های آن نسبت به رویکردهای مادیرا، و در نهایت با بهره‌گیری از رویکرد موردپژوهی (مطالعه موردی) و با روش تحلیل مفهومی از رویدادهای تاریخی، نیازهای امنیت هستی‌شناختی بریتانیا پس از جنگ جهانی دوم، به‌منزله یکی از اصلی‌ترین دلایل بریتانیا برای حفظ رابطه ویژه در زمان بروز تعارض منافع با ایالات متحده معرفی شده است. به‌عبارت دیگر، با تبیین اهمیت مضاعف امنیت هستی‌شناختی نسبت به امنیت فیزیکی، نیازهای امنیت هستی‌شناختی بریتانیا پس از جنگ، سازوکار تاب‌آوری این پادشاهی برای حفظ و تداوم رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی بوده است که در زمان‌هایی حتی به رفتارهای به‌ظاهر غیرمنطقی بریتانیا انجامیده است؛ مانند، قربانی کردن منافع مادی برای حفظ رابطه ویژه.</p>
واژگان کلیدی: آنگلساکسونیسم، تعارض منافع، روایت مشترک، ناامنی هستی‌شناختی، هویت.	

ارجاع به این مقاله: محمدپور س، سعیدآبادی مر. (۱۴۰۲). «تأثیر نیازهای امنیت هستی‌شناختی بر شکل‌گیری اتحادها و ائتلاف‌ها در روابط بین‌الملل: موردپژوهی رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی». *مطالعات کشورها*. ۱(۱): ۱۰۳-۱۳۰. doi: <https://doi.org/10.22059/jcountst.2023.91656>



وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir

شاپای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰

ناشر: دانشگاه تهران

* نویسنده مسئول، رایانامه: sabadi@ut.ac.ir  <https://orcid.org/0000-0002-3950-7939>

۱. مقدمه

مطالعه و بررسی اتحادهای دو یا چندجانبه در روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که بسیاری از اتحادهای بین‌المللی با چالش‌ها و بحران‌های جدی مواجه شده‌اند و سرانجام در حفظ و تداوم خود با شکست خورده‌اند. رابطه ویژه انگلو-آمریکایی^۱ که در حقیقت ثمره جنگ خونین جهانی دوم برای دو کشور بریتانیا و ایالات متحده بوده است، اگرچه در طول تاریخ خود به دلایل مختلفی از جمله پیگیری منافع متعارض، از مواجهه با چالش و بحران مستثنی نبوده است، این رابطه در طول زمان حفظ و حتی تقویت شده است. بسیاری از پژوهشگران حوزه روابط بین‌الملل، شکل‌گیری و تداوم رابطه ویژه را در ابتدا ناشی از نیازهای بریتانیا و ایالات متحده، به دلیل موقعیت جدیدشان در جهان پس از جنگ، قلمداد می‌کنند که پس از آن نیز به دلیل جهانی‌شدن و درگیری‌های فراوان در عرصه بین‌المللی کماکان ادامه داشته است. در این میان، در کمتر مطالعه علمی و نظام‌مندی بر تأثیر نیازهای امنیت هستی‌شناختی^۲ بریتانیا در تداوم رابطه ویژه انگلو-آمریکایی تمرکز شده است.

به عبارت دیگر، در نظریه‌های مرتبط با اتحاد در روابط بین‌الملل - همانند نظریه رئالیستی اتحاد- مطالعات بر شکل‌گیری و پایداری روابط ویژه، ائتلاف‌ها، و اتحادها میان کشورها در چارچوب دغدغه‌های سیاسی-امنیتی و یا اقتصادی مشترک اعضای شکل‌دهنده اتحاد متمرکز است. مفروض‌های این نظریه‌ها که بیشتر بر مفروض‌های رئالیسم و لیبرالیسم، به عنوان پارادایم‌های سنتی روابط بین‌الملل، بنا شده‌اند، اگرچه تا حدود زیادی دلایل شکل‌گیری و تداوم اتحادها بر اساس اصول کلی این دو نظریه، همچون اصل هزینه-فایده^۳ یا منافع جمعی توضیح داده می‌شود، به نظر می‌رسد در توضیح روابط و اتحادهایی که با وجود تعارض منافع، پایدار مانده و حتی تقویت شده‌اند توفیق چندانی حاصل نشده است.

در این راستا، در پژوهش حاضر، با تمرکز بر مفهوم امنیت هستی‌شناختی - به عنوان یکی از متغیرهای اصلی در شکل‌گیری، تداوم و تقویت رابطه ویژه انگلو-آمریکایی - این اتحاد نوعی اتحاد نامتوازن^۴ معرفی می‌شود که در آن بریتانیا

1. Anglo-American Special Relationship (AASR)

2. ontological security

3. cost-benefit

4. unequal alliance

به منظور تأمین نیازهای امنیت هستی‌شناختی خود در تلاش برای حفظ و تقویت آن معرفی می‌شود. به عبارت دیگر، جایگاه آسیب‌دیده بریتانیای پس از جنگ جهانی دوم، با در نظر گرفتن «گذشته شکوهمند» آن در نظام بین‌الملل، نوعی ناامنی هستی‌شناختی^۱ برای این پادشاهی به همراه آورد و نیاز به تأمین امنیت هستی‌شناختی در نظم جهانی جدید را می‌توان انگیزه اصلی این پادشاهی در شکل‌گیری رابطه ویژه با ایالات متحده، همچنین تلاش برای حفظ و تداوم آن را در این چارچوب تبیین کرد. اهمیت تأمین امنیت هستی‌شناختی بریتانیای پس از جنگ تا آنجا بوده است که در زمان‌هایی حفظ رابطه ویژه با ایالات متحده به بهای قربانی کردن منافع فیزیکی این کشور تمام شده است. بنابراین، تأمین نیازهای امنیت هستی‌شناختی برای بریتانیا را می‌توان سازوکار تاب‌آوری^۲ این پادشاهی در حفظ رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی در زمان بروز تعارض منافع با ایالات متحده دانست.

۲. پیشینه

اصطلاح «رابطه ویژه»^۳ را نخستین بار وینستون چرچیل در سال ۱۹۴۶م و در سخنرانی مشهورش در دانشگاه وست مینستر ابداع و معرفی کرد. سخنرانی چرچیل در حقیقت هشدار بود مبنی بر شکل‌گیری پرده‌ای آهنین که اروپای شرقی را تحت تسلط اتحاد جماهیر شوروی قرار می‌داد. در همین راستا، وی خواستار برقراری روابطی ویژه با آمریکا برای دفاع از آن چیزی شد که آن را جهان دموکراتیک آزاد^۴ می‌نامید (Marsh & Baylis, 2006: 181-182). از آن پس بود که رابطه ویژه دو کشور شکلی مقدس‌گونه به خود گرفت. اما، از زمان سخنرانی پرده آهنین^۵ وینستون چرچیل، بحث درباره نقش این دو متحد راهبردی در پایایی این رابطه، به منزله اتحادی نامتوازن، توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است. اگرچه ریشه‌های روابط نزدیک میان بریتانیا و ایالات متحده را می‌توان در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم جستجو کرد، این رابطه، به‌عنوان اتحادی منسجم میان دو ابرقدرت، در عوامل ایده‌ای^۶ نیز ریشه دارد که

1. ontological insecurity
2. mechanism of resilience
3. Special Relationship
4. free democratic world
5. Iron Curtain
6. ideational factors

در بخش ۲.۴ به آن می‌پردازیم. این اتحاد در ابتدا با تهدید مشترک فاشیسم آغاز شد، سپس و در برابر تهدید کمونیسم ادامه پیدا کرد و سرانجام به جزء جدایی‌ناپذیر سیاست خارجی دو کشور تبدیل شد.

از نظر تاریخی، از همان سال‌های نخستین پس از جنگ جهانی دوم، توازن قوا در رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی به میزان قابل‌توجهی به نفع ایالات متحده تغییر کرده بود. در حالی که آمریکای پس از جنگ ابرقدرتی بلامنزاع در صحنه بین‌المللی ظاهر شده بود، بریتانیا از نظر اقتصادی به شدت تضعیف و به بیان دیگر، با زوال روبه‌رو شده بود (Abdelrehim, 2010: 82). در همین رابطه، جان لودال، معاون اسبق وزیر دفاع آمریکا، قدرت آمریکای پس از جنگ جهانی دوم را این‌گونه توصیف می‌کند: «هیچ ترکیبی از قدرت قابل‌تصور نمی‌تواند قدرت متعارف نظامی آمریکا را به چالش بکشد و قدرت اقتصادی ایالات متحده نیز در هر گوشه‌ای از این کره خاکی تأثیرگذار است. حق وتوی این کشور که تقریباً در تمام نهادهای مهم بین‌المللی وجود دارد نیز به این معناست که بدون توافق آمریکا، هیچ اقدام مهمی انجام نمی‌شود» (Lodal, 2001: 119). در حقیقت، بریتانیایی‌ها نیز از واقعیت‌گفته‌های لودال به‌طور کامل آگاه بودند و همراهی همه‌جانبه با آمریکایی‌ها را به‌طور فزاینده‌ای ضروری دانستند. به این ترتیب، بریتانیا امیدوار بود که بتواند در جهت‌گیری سیاست خارجی ایالات متحده تأثیر بگذارد و از قدرت این کشور برای ارتقای منافع و نفوذ از دست‌رفته خود استفاده کند. این هدف، مستلزم آن بود که بریتانیا در رابطه ویژه با آمریکا نقش جدیدی را بپذیرد. از این نظر، همان‌طور که رینولدز در مقاله‌ای با عنوان «رابطه ویژه: آمریکا، بریتانیا و نظم جهانی پس از جنگ جهانی دوم» یادآور می‌شود، رابطه ویژه در حقیقت «سنت آگاهانه» بریتانیایی^۱ بود که به‌طور هوشمندانه‌ای چرچیل به‌منزله ابزاری برای دیپلماسی ابداع کرد (Reynolds, 1985: 2). به عبارت دیگر، رینولدز رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی را ابزاری می‌داند که قدرتی در حال نزول ایجاد کرده بود تا از مزایای قدرتی در حال پیشرفت برای تأمین منافع و اهداف خود استفاده کند؛ حتی به بهای چشم‌پوشی از نقش رهبری پیشین این کشور در نظام بین‌الملل که بریتانیایی‌ها برای سده‌ها به آن خو کرده بودند. به همین دلیل، ایجاد این رابطه راهبردی با آمریکایی‌ها، محدودیت‌ها و البته فداکاری‌های خاصی را از سوی بریتانیایی‌ها طلب می‌کرد. به‌طور مثال، در مواردی که سیاست‌های آمریکا

1. deliberate British creation

در تعارض با منافع بریتانیا بوده است، این بریتانیا بوده که همواره تلاش کرده است از رویارویی عمومی با آمریکا جلوگیری کند و حداکثر در پشت پرده انتقادهایی را متوجه متحد راهبردی خود سازد. با توجه به این مقدمه، در ادامه، موضوع مورد پژوهش یعنی نیازهای امنیت هستی‌شناختی بریتانیا و روایت‌های مشترک این کشور با ایالات متحده، و عدم‌توزان در رابطه ویژه میان دو کشور مطرح خواهد شد.

گلن اسنایدر در کتاب مشهور خود، *سیاست‌های اتحاد*، رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی را بر اساس تقسیم‌بندی پذیرفته‌شده متقابل بین نقش‌های دو بازیگر ارشد و کوچک معرفی می‌کند (Snyder, 1997). از نظر اسنایدر، رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی نمونه بارزی از اتحادی کاملاً نامتقارن است که در آن ایالات متحده نقش رهبری خود را تثبیت کرده است و انتظار می‌رود بریتانیا وظایف پیروی خود را انجام دهد. بر این اساس، اسنایدر معتقد است در دوره پس از جنگ جهانی دوم، همواره این پیش‌فرض اصلی در تفکر سیاست خارجی راهبردی بریتانیا وجود داشته است که این کشور باید تعهد مطلق خود را به انجام‌دادن وظایف خود در رابطه ویژه ثابت کند تا ایالات متحده را نسبت به آن مطمئن و متصل نگه دارد؛ و یا به عبارتی خطر خروج ایالات متحده از این اتحاد را به حداقل برساند.

تیم دان در مقاله خود با عنوان «آتلانتیک‌گرایی در راهبرد امنیتی بریتانیا»، همانند رینولدز، معتقد است که دولت‌های بریتانیا همواره و بیش از هر چیز مضطرب بوده‌اند که در موضوع‌های مهم از رویارویی آشکار با ایالات متحده جلوگیری کنند و تا حد امکان به تعهد و بیعت با تصمیم‌ها و منافع سیاست خارجی ایالات متحده تمایل داشته باشند. از نظر دان، برای تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی بریتانیا، این بخشی از معامله در رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی بود که اطمینان می‌داد منافع بریتانیای پس از جنگ در واشنگتن نیز شنیده خواهد شد (Dunne, 2004).

اندرو روسن در کتاب *دگرگونی زندگی بریتانیایی*، بر این مسئله تأکید می‌کند که بریتانیایی‌ها هیچ‌گاه نمی‌توانند تاریخ شکوهمند خود را فراموش کنند و به همین دلیل خود را هم‌تراز با همسایگان اروپایی خود نمی‌بینند. این مسئله در کنار اشتراک‌های فراوان آنگلو-ساکسونی آن‌ها با آمریکایی‌ها، آن‌ها را در طول زمان هرچه بیشتر به ایالات متحده نزدیک کرده است (Rosen, 2004).

رونالد کربز در کتاب *روایت و ساخت امنیت ملی ایالات متحده*، با اشاره به

پذیرش نقش دو کشور بریتانیا و ایالات متحده از رابطه ویژه، بیان می‌کند که چنین تأییدهایی غالباً جزئی از روال روابط ویژه است و نه تنها وسیله‌ای برای عبور از بحران‌های ایجادشده در میان اعضای اتحاد عمل می‌کند، بلکه عاملی برای اطمینان از تعهدها و تأییدهای متقابل از سوی اعضای اتحاد برای بازگرداندن نظم روایی اتحاد در زمان عدم اطمینان از آینده اتحاد یا رابطه ویژه محسوب می‌شود؛ اطمینانی که منبع امنیت هستی‌شناختی برای اعضای اتحاد است (Krebs, 2015).

دیوید هاگلند در کتاب *جنگ فرهنگی ایالات متحده و رابطه ویژه انگلو-آمریکایی*، «انگلساکسونیسم» را «ویژگی» مهم رابطه ویژه انگلو-آمریکایی می‌داند که با تثبیت اشتراک‌های فرهنگی، همچنین ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، به تولید روایت‌های مشترک میان بریتانیا و ایالات متحده کمک کرده است. وی، همچنین در بخش دیگری از کتاب به صراحت بیان می‌کند که انگلستان باید بخشی ذاتی و جدانشدنی از هویت آمریکایی تلقی شود. این هویت به گفته هاگلند تا اندازه‌ای نهادینه شده است که حتی اگر اراده‌ای برای جدایی از آن در آمریکا وجود داشته باشد، توانایی انجام آن را نخواهد داشت (Haglund, 2020).

سرجان ووچتیچ فروپاشی اقتصادی و اعتباری بریتانیای پس از جنگ جهانی دوم را تا اندازه‌ای مبرهن می‌داند که در کتاب *سرافرازی و سراسیابی: هویت ملی و سیاست خارجی بریتانیا* چندین بار آن را کلیشه‌ای مشخص معرفی می‌کند. وی، رابطه با ایالات متحده را در کاهش روند سقوط بریتانیا مؤثر می‌داند و معتقد است بریتانیا نیز نقش کوچک‌تر را در این رابطه پذیرفته است. ووچتیچ که نقش هویت ملی را در شکل‌دهی سیاست خارجی بریتانیا انکارناپذیر می‌داند، با اشاره به تاریخ این پادشاهی که به گفته وی برای سده‌ها مرکز جهان و قدرت بلامنازع جهانی بوده است، این «گذشته شکوهمند» را نوعی گفتمان سیاست خارجی در بریتانیا می‌داند که پس از جنگ جهانی دوم به خطر افتاده بود (Vucetic, 2021). بر این اساس، بریتانیای پس از جنگ با نوعی ناامنی هستی‌شناختی مواجه بوده است که چرچیل، راه تسکین آن را در ایجاد رابطه‌ای ویژه با ایالات متحده جستجو می‌کرد. ووچتیچ همچنین در *هویت ملی بریتانیا و رابطه ویژه انگلو-آمریکایی* معتقد است که همکاری‌های ایالات متحده و بریتانیا محدود به حوزه‌ای خاص نبوده است، که به بخشی از هویت سیاست خارجی دو کشور تبدیل شده است (Vucetic, 2016).

برونینگ، جونیمی و استیل، در کتاب *هویت نیابتی در روابط بین‌الملل*، با

ترکیب سیاست‌های هویتی و نیازهای امنیت هستی‌شناختی از اصطلاح «هویت نیابتی»^۱ نام می‌برند و آن را به‌معنای «زندگی در وجود دیگری»^۲ معرفی می‌کنند. این نویسندگان با طرح نمونه‌های مختلفی از روابط میان کشورها و اتحادیه‌های بین‌المللی از جمله رابطه میان بریتانیا و ایالات متحده، هویت نیابتی را ناشی از تأمین نیازهای امنیت هستی‌شناختی می‌دانند که بر اساس آن کشورها هویت خود را در وجود دیگری دنبال می‌کنند (Browning et al., 2021). به عقیده ما، برونینگ و همکارانش برجسته‌ترین افرادی هستند که مفهوم امنیت هستی‌شناختی را در سطح نظام بین‌الملل دنبال کرده‌اند. در این کتاب نیز به سطح متفاوتی از نیازهای امنیت هستی‌شناختی پرداخته‌اند که بر اساس آن، دولت‌ها گاه برای به‌دست آوردن حس شکوه و عزت پیشین خود و یا پاسخ به اضطراب‌های وجودی خویش، در جستجوی هویت نیابتی متناسب با خود هستند. این کتاب را در حقیقت می‌توان متن نوظهوری پیرامون مفهوم امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل دانست.

با توجه به پیشینه پژوهش، همچنین نکات ذکر شده در بخش مقدمه، به نظر می‌رسد درباره موضوع اصلی مورد پژوهش، یعنی تأثیر نیازهای امنیت هستی‌شناختی بریتانیا بر تداوم رابطه ویژه آنلگو-آمریکایی در زمان بروز تعارض منافع میان دو متحد، مطالعات سازمان‌یافته و منسجمی انجام نشده است. همچنین، از اهداف فرعی و درعین حال مهم مطالعه حاضر، بررسی روابط دوجانبه بریتانیا و ایالات متحده در مسائل مرتبط با ایران در چارچوب نظریه امنیت هستی‌شناختی است که تاکنون پژوهشی در این باره انجام نگرفته است. بنابراین، مطالعه حاضر را می‌توان در این دو مبحث مهم دارای نوآوری دانست.

همان‌طور که بیان شد، رابطه ویژه بریتانیا و ایالات متحده، به‌عنوان دو ابرقدرت مهم جهانی، و همکاری‌های گسترده اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک آن‌ها از دوران جنگ جهانی دوم، اساس سیاست خارجی بریتانیا را شکل داده است. این رابطه همچنین اساس اتحاد غرب پس از جنگ سرد را شکل داده است؛ رابطه‌ای که به‌زعم بسیاری، در ایجاد تعادل و ثبات در جهان پس از جنگ نقش اساسی داشته است. جنگ جهانی دوم، ابرجنگی بسیار پرهزینه و محرک اصلی در نیاز پادشاهی بریتانیا به تشکیل اتحادی نزدیک و بی‌سابقه با ایالات متحده بوده است،

1. vicarious identity
2. living through the other

و این رابطه ویژه، منبع امنیت هستی‌شناختی بریتانیا و همچنان رکن اساسی سیاست خارجی این پادشاهی باقی مانده است. این اعتقاد که رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی به بهترین نحو منافع پادشاهی را تأمین خواهد کرد، در طول دهه‌ها در میان سیاستمداران بریتانیایی وجود داشته است و دولت‌های مختلف، خواه محافظه‌کار یا کارگر، تعهد خود را نسبت به آن نشان داده‌اند. به عبارت دیگر، بریتانیا، به دلیل نیاز به حفظ و استمرار رابطه ویژه به عنوان منبع اساسی امنیت هستی‌شناختی خود، حتی در زمان بروز تعارض منافع با این کشور، در نهایت از سیاست‌های ایالات متحده پیروی کرده است.

هدف اصلی مقاله حاضر، نشان دادن چگونگی تأثیر نیازهای امنیت هستی‌شناختی بر حفظ و استمرار رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی در زمان بروز تعارض منافع است که در راستای آن، به منافع متعارض این دو متحد در ایران نیز اشاره خواهد شد. به عبارت دیگر، در پژوهش حاضر در چارچوب موردپژوهی رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی، تلاش شده است تأثیر نیازهای امنیت هستی‌شناختی در شکل‌گیری و تداوم اتحادهای نامتوازن نشان داده شود. در این راستا و همان‌طور که اشاره شد، در مطالعه حاضر با کاربردی نظریه امنیت هستی‌شناختی، تلاش شده است دلایل دوام و پایداری اتحاد بریتانیا و ایالات متحده در زمان بروز تعارض منافع میان دو کشور تبیین شود. به بیان دیگر، در پژوهش حاضر، با تمرکز بر عوامل اجتماعی مشترک، همچنین تبیین مفهوم امنیت هستی‌شناختی در سه سطح تحلیل فرد، دولت، و نظام بین‌الملل، نشان داده می‌شود که چگونه می‌توان نیازهای امنیتی هستی‌شناختی را «سازوکار تاب‌آوری» پادشاهی بریتانیا در اتخاذ رفتارها و سیاست‌های به ظاهر غیرمنطقی مانند قربانی کردن منافع خود، به منظور حفظ و تداوم رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی در نظر گرفت.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیق بنیادی است. روش به کاررفته در پاسخگویی به پرسش اصلی پژوهش، موردپژوهی بوده است که یکی از رویکردهای روش توصیفی-تحلیلی محسوب می‌شود و در مطالعه مورد پژوهشی (رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی) نمود پیدا کرده است. از مزیت‌های مهم رویکرد موردپژوهی، که در مطالعات علوم اجتماعی بسیار استفاده می‌شود، این است که در این روش، به جای پیگیری مجموعه محدودی از قوانین برای بررسی تعداد محدودی از

متغیرها، از روش بررسی عمیق و طولی (در دوره زمانی طولانی) از یک نمونه یا رویداد خاصی استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، موردپژوهی راهی نظام‌مند برای بررسی رویدادها، جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل اطلاعات و در نهایت گزارش نتایج است. به این ترتیب، رویکرد موردپژوهی این توانایی را به پژوهشگر می‌دهد که درک دقیقی از چرایی و چگونگی وضعیت مورد مطالعه پیدا کند و این بینش را برای سایر پژوهشگران فراهم آورد که در پژوهش‌های آینده و در موارد مشابه، چه متغیرهایی برای بررسی اهمیت بیشتری دارند. بر این اساس، پیش‌بینی می‌شود موردپژوهی مقاله حاضر (رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی) قابلیت تعمیم‌پذیری به برخی اتحادهای بین‌المللی را داشته باشد، به‌ویژه در خصوص اتحادهای نامتوازن و پایدار که اعضای آن روایت‌های مشترکی با یکدیگر دارند. بدین ترتیب، متغیرهای مرتبط با تأثیر نیازهای امنیت هستی‌شناختی بر شکل‌گیری و تداوم اتحادها و ائتلاف‌ها را در روابط بین‌الملل می‌توان توضیح داد. همچنین، با بهره‌گیری از روش تحلیل مفهومی، از رویدادهای تاریخی در روابط میان بریتانیا و ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم، نه تنها داده‌های مرتبط با تضاد منافع در روابط دو کشور سازماندهی و با جزئیات توصیف می‌شوند، بلکه جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش و هدف آن، یعنی تأثیر نیازهای امنیت هستی‌شناختی بریتانیا بر حفظ رابطه ویژه در زمان بروز تعارض منافع با ایالات متحده، تفسیر و تبیین می‌شود. در این راستا و با استفاده از منابع دست اول، سخنرانی‌ها و اظهارات نخبگان سیاسی بریتانیا (مانند چرچیل)، و رفتار سیاست خارجی بریتانیای پس از جنگ در رابطه با ایالات متحده تجزیه و تحلیل شده است.

۴. بحث

۴.۱. اتحاد در روابط بین‌الملل از منظر امنیت هستی‌شناختی

امنیت هستی‌شناختی را نخستین بار لینگ در مطالعات روان‌شناسی به کار گرفت، دال بر اینکه به بعدی احساسی و انگیزشی اشاره دارد که کنشگران در جامعه برای ایجاد تداوم هویت خود در طول زندگی به دنبال تأمین آن هستند (Laing, 1965: 40). بنابراین، می‌توان گفت در نظریه امنیت هستی‌شناختی، به‌طور کلی رویه‌هایی بررسی می‌شود که هر موجود اجتماعی‌ای (افراد، گروه‌ها یا دولت‌ها) برای تأمین احساس خود^۱ در طول زمان استفاده می‌کند. این نظریه که در انواع

1. self

گروه‌ها و سطوح تحلیل اعمال می‌شود، علاوه بر مطالعات روان‌شناختی، حوزه‌های مطالعاتی متعددی را در بر می‌گیرد؛ از جمله، جامعه‌شناسی (Giddens, 1984; 1991)، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل (Steele et al., 2021). بر این اساس، سطوح تحلیل این نظریه از ذهن تصمیم‌گیرندگان فردی (به‌طور مثال، چرچیل) تا کل سیاره را شامل می‌شود (Vučetić, 2011a: 17). آنتونی گیدنز، یکی از اصلی‌ترین توسعه‌دهندگان مفهوم امنیت هستی‌شناختی، واحد تحلیل خود را در ابتدا فرد، به‌منزله کنشگری اجتماعی، بر می‌گزیند (Giddens, 1984; 1991). در تفاهم و تقابل با گیدنز، مفهوم امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل هم در سطح فرد، به‌عنوان واحد تحلیل (Kinnvall & Mitzen, 2021; Browning et al., 2021) و هم در سطح دولت یا ملت (Mitzen, 2006a; Steel, 2008) بررسی شده است.

سطح تحلیل فرد. در سطح تحلیلی فرد، امنیت هستی‌شناختی به نیاز مرتبط با تجربه «خود»، به‌عنوان فردی کامل و پیوسته در طول زمان و موجودیتی باثبات و نه دائماً در حال تغییر، اشاره دارد تا احساس عاملیت سازمان‌یافته^۱ را درک کند (Laing, 1965: 41-2). در این راستا، افراد باید نسبت به آنچه هستند، به‌منزله «هویت» یا «خود»، احساس امنیت کنند (Mitzen, 2006a: 342). آنتونی گیدنز، در کتاب *مدرنیته و هویت شخصی*، از اعتماد اولیه بین مادر و نوزاد بهره می‌برد تا بر این نکته تأکید کند که چگونه حفظ عادات و شیوه‌های زندگی، به چارچوبی ثابت تبدیل می‌شود که به موجودیت و دوام کنشگران کمک می‌کند (Giddens, 1991: 38-9). او استدلال می‌کند که این چارچوب تا مرزبندی امنیتی توسعه می‌یابد و افراد را قادر می‌سازد به سؤال‌های وجودی^۲ خود درباره عناصر اساسی زندگی همچون ماهیت هستی، تمایز بین زندگی شخصی انسان و جهان خارج، هویت و دیگران^۳ پاسخ دهند (Ibid: 48-55). وی تأکید می‌کند: «همه انسان‌ها بر اساس روال‌ها و عادات مختلف خود نوعی چارچوب [مرز] امنیتی هستی‌شناختی و نوعی پیله محافظ^۴ ایجاد می‌کنند که به آن‌ها امکان می‌دهد سؤال درباره خود، دیگری، و جهان پیرامون را بپرسند تا بدین وسیله به فعالیت‌های روزمره زندگی خود تداوم بخشند» (Ibid: 188).

-
1. agency
 2. existential questions
 3. other
 4. protective cocoon

گیدنز با بیان تفسیری جامعه‌شناختی از بینش لینگ، استدلال می‌کند که احساس امنیت هستی‌شناختی به توانایی ما به میزان اعتماد به روال‌ها و روایت‌های اجتماعی بستگی دارد؛ روال‌ها و روایت‌هایی که در آن احاطه شده‌ایم و از طریق آن‌ها هویت شخصی ما شکل می‌گیرد (Giddens, 1984: 37). چنین روایت‌هایی (اعم از وجودی، فرهنگی، حقوقی و نظایر آن) ما را قادر می‌سازد تا بر اساس آن واکنش نشان دهیم و تصمیم‌ها و اعمال خود را با افکار و پندارمان سازگار کنیم. به عبارت دیگر، این روایت‌ها معیار خاصی را برای احساس هویت یا احساس عامل بودن در اختیار کنشگران قرار می‌دهد و هر چیزی که این روایت‌ها، روال‌ها و یا عادات افراد و گروه‌ها را مختل کند، واکنش آن‌ها را، با هر پیامدی، برمی‌انگیزد.

سطح تحلیل دولت-ملت. با تمرکز بر نقش روایات در توسعه هویت «خود»، محققان روابط بین‌الملل مفهوم امنیت هستی‌شناختی را در سطح دولت‌ها مطالعه کرده‌اند. در این سطح، روایت‌ها فرایند سیاسی کلیدی در کنترل اضطراب و ایجاد امنیت هستی‌شناختی برای بازیگران بین‌المللی در نظر گرفته می‌شوند. در این راستا، در مواقع تهدید و بحران برای امنیت دولت، روایت‌ها، عمدتاً به صورت گزینشی، فعال می‌شوند تا بین تغییر سیاست‌ها پلی شناختی^۱ ایجاد کنند؛ سیاست‌هایی که برای برطرف کردن چالش‌های امنیت فیزیکی (مانند تهدیدات سرزمینی) به کار می‌روند و احساس معمول و تداوم در زندگی به منظور حفظ امنیت هستی‌شناختی کشور را فراهم می‌آورند (Subotić, 2015: 612). این روایت‌ها به توجیه اقدام‌های پرهزینه و حتی به ظاهر غیرمنطقی یا استثنایی دولت‌ها در کاهش اضطراب‌های وجودی اتخاذشده کمک و کانون پایداری برای اعمال و رفتار دولت‌ها فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، برای دولت‌هایی که به دنبال امنیت هستی‌شناختی هستند، روایت‌ها بسیار مهم است، زیرا تداوم «گذشته خوب» خود را از طریق توجیه زندگینامه‌ای^۲ فراهم می‌آورند؛ به این معنا که بازیگر بین‌المللی برای تداوم رفتار و عملکرد خود در نظام بین‌الملل باید احساس خوبی نسبت به خود و تاریخچه سیاست‌ها و اقدام‌های خود داشته باشد. بنابراین، دولت‌ها روایت‌های زندگینامه‌ای مرتبط با هویت می‌سازند تا به کنش‌های بین‌المللی خود معنا بدهند؛ به عبارت دیگر، رفتار خود را در جامعه

1. cognitive bridge
2. biographical

بین‌المللی منطقی جلوه بدهند (Innes, 2014: 17). دولت‌ها، همچون افراد، به‌واسطه داستان‌ها و روایت‌ها به تعریفی از خود و اعمالشان در جامعه دست می‌یابند و این توانایی را دارند تا عامل‌بودن خود را به روش‌های خاصی از طریق روایت‌های مربوط به خود ابراز کنند (Lang, 2002: 11)؛ همان‌طور که شاکبورگ می‌گوید: «ملت‌های بزرگ، دقیقاً همچون انسان‌ها، باید غرور داشته باشند، و هرگز غرور بریتانیا به اندازه آن سال‌های پس از پیروزی [در جنگ جهانی دوم] که بعدها متوجه شدیم اصلاً پیروز نبوده‌ایم، به چالش کشیده نشده است» (Shuckburgh, 2000: 214). در این رابطه، در متون امنیت هستی‌شناختی بر این بحث بسیار مهم تأکید شده است که بازیگران بین‌المللی، نه تنها از روایت‌های مرتبط با هویت برای پیگیری سیاست‌های جاری خود استفاده می‌کنند، بلکه خود آن‌ها، روایت‌های زندگینامه‌ای محسوب می‌شوند که تصویر و سیمایی برای «خودهای آینده‌شان»^۱ فراهم می‌آورد؛ یعنی، نه تنها در مورد آنچه بوده‌اند و هستند، بلکه در مورد آنچه می‌توانند باشند (Berenskoetter, 2014: 272).

سطح تحلیل نظام بین‌الملل. در روابط بین‌الملل، امنیت هستی‌شناختی به امنیت احساس «خود» و نه امنیت وجود فیزیکی اطلاق می‌شود. این احساس ذهنی که یک فرد چه کسی است، باعث می‌شود انگیزه لازم را برای اقدام‌ها و انتخاب‌های او فراهم آورد (Mitzen, 2006a: 344). در مفروضه‌های نظریه‌های سنتی روابط بین‌الملل، هویت دولت در رابطه با «دیگران خارجی» تعریف می‌شود. با این حال، از دریچه نظریه امنیت هستی‌شناختی، تصور دولت از هویت خود در درون و از طریق توسعه روایت‌های خودزندگینامه‌ای^۲ ساخته می‌شود که با تکیه بر تاریخ و تجربه ملی دولت‌مملت، تداوم وجود دولت، درک هویت و دلیل وجودی^۳ آن را تضمین می‌کند. در این راستا، آنچه در همسویی مفهوم امنیت هستی‌شناختی و مطالعه حاضر اهمیت مضاعفی می‌یابد این است که گیدنز (سطح تحلیل فرد) و میتزن (سطح تحلیل دولت) هر دو به این مسئله اشاره می‌کنند که افراد و دولت‌های با حافظه و روایت‌های ملی قوی‌تر، برای رفع نیازهای امنیت هستی‌شناختی خود انگیزه بیشتری دارند تا روابط خود را با قدرت‌های شناخته‌شده و دارای روایت‌های مشترک توسعه دهند. در این محدوده روایی و در سطح دوم تحلیل، دولت‌ها به این درک درست یا حداقل منسجم

1. future self
2. autobiographical
3. raison d'être

می‌رسند که چه کسانی هستند و چگونه باید در نظام بین‌الملل عمل کنند (Lang, 2002: 11). به عبارت دیگر، در نظریه امنیت هستی‌شناختی تا حد زیادی این مفروضه دنبال می‌شود که تصورات دولت‌ها از هویت خود، در روایت زندگی‌نامه‌ای غالب ریشه دارد (Steele, 2008: 6). در این روایت زندگی‌نامه‌ای، آن دسته از تجربیات تاریخی به کار گرفته می‌شود که در مواقع افزایش اضطراب وجودی^۱ و ناامنی هستی‌شناختی، روایت‌ها و داستان‌های آرامش‌بخش^۲ را در اختیار دولت‌ها قرار دهد (Kinnvall, 2004: 755). همانند افراد، دولت‌مملت‌ها نیز آنچه را از منظر هستی‌شناختی تعریف می‌کنند که از طریق این سازوکار سازمان‌دهی روایی تنظیم شده باشد.

با توجه به مبحث مطرح‌شده به‌طور خلاصه‌وار، رابطه ویژه بریتانیا و آمریکا را می‌توان در سطح فرد (برای نمونه در ذهن چرچیل)، سطح دولت، همچنین در سطح نظام بین‌الملل بررسی کرد (Vucetic, 2011a: 17). در این راستا، به‌عنوان اصل هستی‌شناختی، روایت‌های مشترک و شکل‌دهنده رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی را نمی‌توان تنها به یک سطح تقلیل داد. این رابطه منحصر به فرد، به‌طور مداوم، در هر سه سطح تحلیل روابط بین‌الملل ساخته شده است؛ بنابراین، تجزیه و تحلیل جداگانه ممکن است تقلیل‌گرایانه باشد. به بیان دیگر، نخبگان، دولت‌مملت‌ها و نظام بین‌الملل به‌عنوان، کارگزاران و ساختارها، به‌طور متقابل در شکل‌گیری، تداوم و تقویت روابط ویژه آنگلو-آمریکایی درگیر بوده‌اند.

بنابراین، در تحلیل چرایی و چگونگی تداوم رابطه ویژه با وجود تعارض منافع دو عضو آن، مقاله حاضر بر مفهوم امنیت هستی‌شناختی و کاربردهای اخیر آن در روابط بین‌الملل، به‌ویژه بنا به نظر استیل و میتزن، استوار است. بر این اساس، اگرچه این تضادهای دوجانبه میان دو متحد در زمان‌هایی امنیتی فیزیکی و یا منافع مادی ملی عضو کوچک‌تر (بریتانیا) را تهدید کرده است، وجود رابطه ویژه پاسخ‌های مناسبی برای پرسش‌های هستی‌شناختی این پادشاهی درباره پارامترهای اساسی زندگی همچون هستی، خود و دیگری، و هویت فراهم می‌آورد، و بریتانیای پس از جنگ را قادر ساخته است تا به روایت‌های پایدار و منسجمی از «خود» دست یابد که در چارچوب آن، رفتارها و اقدام‌های بریتانیا در نظم جدید جهانی پس از جنگ جهانی دوم توجیه‌پذیر می‌شود. به‌طور خلاصه، رابطه ویژه با

1. existential anxiety
2. comforting stories

ایالات متحده، به‌منزله ابرقدرتی با روایت‌های مشترک و قابل‌توجه با بریتانیا، علی‌رغم اینکه در زمان‌هایی امنیت فیزیکی و منافع ملی این پادشاهی را تحت‌الشعاع قرار داده است، در طول زمان منبعی برای امنیت هستی‌شناختی بریتانیا بوده است.

در این بخش، با بررسی مفهوم امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل، در مقایسه با نظریه‌های ماتریالیستی جریان اصلی، دیدگاه نظری نویدبخش‌تری را درباره چرایی تداوم رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی در زمان بروز تعارض منافع میان دو عضو آن فراهم آورده‌ایم. بر اساس این دیدگاه، دولت‌ها در نظام بین‌الملل به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که گویی اساساً با انگیزه نیاز به امنیت هستی‌شناختی، سیاست‌ها و اقدام‌های خود را اتخاذ می‌کنند. با توجه به این مفروضه، رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی نوعی تعامل در نظر گرفته می‌شود که به بریتانیا کمک می‌کند نیازهای امنیت هستی‌شناختی خود را برآورده کند. در بخش ۴.۲، با جزئیات بیشتری به مزیت‌های این نظریه پرداخته‌ایم. بنابراین، در چارچوب نظری پژوهش، تلاش می‌شود به‌طور متمرکز بر رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی و به‌ویژه ثبات آن پرداخته شود؛ فرایندی که از طریق آن بریتانیا، حتی در زمان تعارض منافع با ایالات متحده، خود را متعهد به حفظ آن دانسته است. در بخش بعد، با تمرکز بر ریشه‌ها و خاستگاه رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی، به بررسی این موضوع پرداخته‌ایم که چرا آمریکا منبع نیازهای امنیتی هستی‌شناختی بریتانیا پس از جنگ جهانی دوم انتخاب شده است.

۴.۱. ناامنی هستی‌شناختی بریتانیا و روایت‌های مشترک با آمریکا: ظهور رابطه ویژه جنگ جهانی دوم برای بریتانیا و امپراتوری آن بسیار پرهزینه بود. ویران‌شدن بسیاری از شهرهای بریتانیا، کمبود عمده کالا و کمبود نیروی کار کافی برای بازسازی کشور تنها بخش کوچکی از پیامدهای بی‌شمار جنگ جهانی دوم بود. در واقع، اگرچه پادشاهی بریتانیا، به‌عنوان یکی از فاتحان جنگ، معرفی می‌شد، در پایان جنگ ویران و تهی از قدرت به‌نظر می‌رسید. در طول این مدت، بریتانیا، برخلاف ایالات متحده، سیاست خارجی مقتدری نداشت، همان‌طور که دین آپسون، وزیر امور خارجه پیشین ایالات متحده، زمانی اظهار کرد: «بریتانیا امپراتوری را از دست داده و در مقابل آن هنوز نقش خود را در نظام بین‌الملل پیدا نکرده است» (Wallace, 1991: 65). مهم‌تر از همه، بریتانیای پس از جنگ علی‌رغم گذشته‌ای باشکوه، هم از نظر قدرت و هم از نظر نفوذ، به کشور متوسطی

در اروپای غربی محدود شده بود (Hesjedal & Mustad, 2022). به زبان ساده، «ملت پیشرو»، «بریتانیا جهانی»، «مرکز جهان»، «بازیگر بزرگ جهانی»، و «قدرت محوری» (Vucetic, 2021: 1) تا حد زیادی از صحنه جهان پس از جنگ جهانی دوم خارج شده بود.

با توجه به «گذشته باشکوه» پادشاهی، عظمت بریتانیا باید پس از جنگ جهانی دوم حفظ می شد. به عبارت دیگر، بریتانیا نمی توانست خود را بدون آن شکوه پیشین تصور کند. در این شرایط، پرسش مهمی که ذهن نخبگان و سیاستگذاران بریتانیایی را درگیر کرده بود این بود که چگونه می توان با وجود کاهش مشهود موقعیت بین المللی بریتانیا، سیاست جهانی قوی به دست آورد؟ برای حل این مشکل، تبدیل شدن به یکی از کشورهای پیشرو، راه حل «ملت پیشرو» بود، و تشکیل اتحادی نزدیک با ایالات متحده، به منزله هژمون پس از جنگ، با تاریخی عظیم از روایت های مشترک و قرابت های هویتی، می توانست پاسخ مناسبی برای پرسش پیشین به ارمغان آورد.

الف) آنگلو ساکسونیسم^۱: اصلی ترین روایت مشترک بریتانیا و ایالات متحده

ظهور رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی، به منزله تلاشی برای پاسخگویی به نیازهای امنیتی هستی شناختی بریتانیا، بر اساس روایت های مشترک بریتانیا با ایالات متحده بود که در آن بر هویت آنگلو ساکسون، بر متمایز بودن و وحدت سفیدپوستان، پروتستان ها و انگلیسی زبانان به عنوان رکن اصلی این روایات تأکید می شد (Vucetic, 2011b: 408). به همین دلیل بوده است که بریتانیایی ها همواره برای نزدیکی هرچه بیشتر با ایالات متحده، به عنوان ابرقدرتی جهانی با بیشترین روایت های مشترک، تلاش کرده اند.

نخبگان انگلیسی-آمریکایی از دو قرن قبل بر این عقیده بودند که نژاد آن ها تمدن بشری را تکامل داده است. در واقع، آنچه آن ها بر آن تأکید داشتند نه نژاد انگلیسی یا آمریکایی، بلکه «آنگلو ساکسون» بود. در این گفتمان در حال توسعه، حاکمان اولیه امپراتوری بریتانیا قبایل ساکسون بودند که در قرن پنجم به انگلستان مهاجرت کردند. سال ها بعد، متون به جامانده از بنجامین فرانکلین، توماس جفرسون و دیگر بنیانگذاران ایالات متحده، آمریکایی ها را به عنوان آنگلو ساکسون های واقعی توصیف می کرد (Vucetic, 2011a: 36).

1. Anglo-Saxonism

می‌توان گفت که گفتمان‌های هویتی آنگلو-ساکسونیسم در طول تاریخ برای دولت‌سازی استفاده شده است و با گسترش زبان انگلیسی در سراسر کره زمین و کاهش هزینه‌های ارتباطی، از قرن نوزدهم به گفتمان جهانی تبدیل شد. با این حال، به نظر می‌رسد عامل اصلی و منجر به جهانی‌شدن هویت آنگلو-ساکسون، باورهای نژادی بود (Burk, 2009: 529-542). در واقع، آنچه رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی را ممکن کرد، زبان، پول یا ترکیبی از عواملی این‌چنینی نبود، بلکه اساساً تصور می‌شد که بریتانیا و ایالات متحده در آنگلو-ساکسونیسم میراث نژادی متقابل و اشتراک ویژه و عمیقی دارند.

با نگاهی تاریخی به قرن قبل، آمریکایی‌ها اگرچه، برخلاف ساکنان کانادا یا استرالیا، خود را بریتانیایی نمی‌دانستند، همچنان هویت نژادی آنگلو-ساکسونی داشتند (Vucetic, 2011a: 85)؛ به همین دلیل است که گاهی از رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی با عنوان «اتحاد نژادی»^۱ یاد می‌شود (Campanella, 2019: 101). در جنگ جهانی دوم، ایالات متحده و بریتانیا خود را به‌عنوان قهرمانان دموکراسی و آزادی و منبع حمایت و نماد امید علیه تمامیت‌خواهی^۲ تعریف و این جهان‌بینی آنگلو-ساکسون را به‌شدت تقویت کردند. در طول جنگ جهانی دوم و در دهه‌های پس از آن، رابطه ویژه بین دو کشور برای بریتانیایی‌ها تأثیر بیشتری در تحولات جهانی فراهم می‌کرد. در حالی که پس از جنگ، تعهدات بریتانیا به اتحادهای مرتبط با جنگ کاهش می‌یافت، رابطه ویژه آنگو-آمریکایی استثنا بود. نخبگان سیاسی بریتانیا، چه در جناح راست و چه در جناح چپ، و چه با حمایت علنی از «اتحاد رسمی» مانند چمبرلین و دیلک، و چه در محافل خصوصی‌تر مانند سالزبری و لنزدان این اتحاد را تأیید می‌کردند (Vucetic, 2011b: 409). این بدان معناست که حس آنگلو-ساکسونیسم در بریتانیا به‌قدری حاکم بود که «وطن‌پرستی نژادی» بریتانیایی (کارنگی، بالفور، میلنر و چمبرلین) نه‌تنها به «اتحاد نژادی» با ایالات متحده اشاره می‌کرد، بلکه، آن‌طور که بالفور بیان می‌کند، بر «فدراسیون نژاد مشترک» و یکپارچگی سیاسی با «برادران و پسرعموهای آمریکایی» نیز دلالت داشت؛ پروژه‌ای که با نام «ایالات متحده امپراتوری»^۳، «اتحاد مجدد»^۴، یا «بریتانیای کبیرتر»^۵ نامیده می‌شد (Bell, 2007: 263).

1. race alliance
2. totalitarianism
3. United States of Empire
4. reunion
5. Greater Britain

برای بریتانیای پس از جنگ، رشد ایالات متحده هژمونی انکارناپذیری پس از جنگ جهانی دوم و سکوی پرتابی بود برای داشتن قدرت واقعی در سیاست جهانی و راه را به سوی آینده‌ای امیدوارکننده‌تر هموار می‌کرد. این وضعیت مشروط بر آن بود که نخبگان سیاسی بریتانیا، سیاست خارجی کشور را، نه بر اساس امپراتوری گذشته، بلکه با نژاد آنگلو-ساکسونیسم تنظیم کنند تا راه برای نزدیک شدن بیشتر پادشاهی به آمریکا هموار شود (Bell, 2007: 318). سیلی در سال ۱۸۸۳م، دهه‌ها قبل از جنگ جهانی دوم، این‌گونه اظهار کرد: «هیچ عاملی به‌اندازه تأثیر متقابل شاخه‌های نژادی انگلیسی دارای پتانسیل نبوده است»؛ آنچه به اعتقاد او، آینده سیاره به آن بستگی داشت (Seeley, 2010: 150). چنین موضعی حامیان خود را در آن سوی اقیانوس اطلس نیز داشت. در یکی از سرمقاله‌های نیویورک‌تایمز نوشته شد: «ما بخش بزرگی از بریتانیای بزرگ هستیم که به نظر می‌رسد تقدیر بر آن است تا بر این سیاره مسلط شود» (Morris, 1968: 28). به عبارت دیگر، اکثر حامیان «اتحاد نژادی» و «بریتانیای کبیرتر»، امیدوار به نوعی اتحاد با ایالات متحده بودند، خواه اتحاد غیررسمی که ریشه در تاریخ، فرهنگ و ایدئولوژی مشترک داشته باشد، یا اتحادی نهادینه‌شده با ساختارهایی مشخص. در بریتانیا، البته موضع اول تا حد زیادی رایج‌ترین و البته واقع‌بینانه‌ترین موضعی بود که در رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی متجلی شده است. بر این اساس، برای بریتانیایی‌ها، رابطه ویژه برای تضمین احساس هویت خود^۱ و تداوم برداشت دولت متبوعشان پس از جنگ جهانی دوم، اتحادی ایدئال بود که طرفداران مختلفی از توری‌ها^۲ تا ویگ‌ها^۳ را به خود جذب می‌کرد.

در بخش بعدی، این مسئله را تبیین کرده‌ایم که چگونه می‌توان با استفاده از نظریه امنیت هستی‌شناختی، به‌عنوان نظریه پیشنهادی پژوهش، درباره ماهیت رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی و پایداری آن در طول زمان، به‌ویژه در زمان بروز تعارض منافع بین دو عضو این رابطه، بینشی عمیق‌تر کسب کرد.

۲.۴. مزیت‌های نظریه امنیت هستی‌شناختی در مطالعه رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی در پژوهش حاضر، در چارچوب نظریه امنیت هستی‌شناختی تلاش شده است در مورد پژوهی خود، علاوه بر دلایل ریشه‌ای رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی، چرایی تداوم

1. self-identity
2. Tories
3. Whigs

آن را با وجود تعارض‌های منافع میان بریتانیا و ایالات متحده تبیین کنیم. این در حالی است که رویکردهای جریان اصلی سنتی ناتوان از دادن توضیحی قانع‌کننده برای رفتارهای غیرمنطقی دولت‌هایی است که در این دولت‌ها امنیت هستی‌شناختی بر امنیت فیزیکی ارجحیت پیدا می‌کند (Zarakol, 2016: 13). نظریه امنیت هستی‌شناختی با توصیف دولت‌ها، به‌عنوان بازیگران مضطرب در زمان ناامنی هستی‌شناختی، برای بررسی این رفتارها و سیاست‌ها در نظام آنارشی بین‌الملل در موقعیت بهتری قرار دارد.

این نظریه با رویکردی سودمند در بررسی الگوهای مختلف روابط بین بازیگران بین‌الملل، با در نظر گرفتن دولت‌ها، به‌عنوان بازیگران اجتماعی، بر این فرض استوار است که آن‌ها جستجوگران امنیت هستی‌شناختی در نظام بین‌الملل عمل می‌کنند (Mitzen, 2006a: 352). مهم‌تر از آن، وجود این دیدگاه و تحلیل‌های مرتبط با آن به درک بهتر مفاهیمی مانند معضل امنیتی، همچنین اساس مشارکت و همکاری بین‌دولتی، کمک کرده است. در واقع، به‌دنبال این استدلال، در پژوهش حاضر، دولت‌ها، به‌عنوان جویندگان امنیت هستی‌شناختی، می‌توانند به تبیین عمیق‌تر رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی، همچنین تعهد قاطعانه بریتانیا به آن کمک کنند. بر این اساس، نیازهای امنیتی هستی‌شناختی بریتانیا پس از جنگ جهانی دوم را می‌توان محرک اساسی در ظهور رابطه ویژه در نظر گرفت، و این فرض، البته، توجیهی منطقی در مطالعه تداوم این رابطه، با وجود نامتقارن بودن آن و وجود تعارض منافع اعضای آن، فراهم می‌آورد. بنابراین، تلاش‌های بریتانیا برای تشکیل و تداوم رابطه ویژه به‌طور قابل‌توجهی از نیازهای امنیتی هستی‌شناختی بریتانیا سرچشمه گرفته است. به‌بیان ساده، بریتانیا، حتی در زمان تضاد منافع با ایالات متحده، سعی کرده است رابطه ویژه را حفظ کند؛ مشارکتی با روایت‌های مشترک و روال‌های تعبیه‌شده که برای بریتانیای پس از جنگ، امنیتی فراتر از امنیت فیزیکی یا سایر منافع مادی فراهم آورده است. در نتیجه، مطالعه رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی در چارچوب نظریه امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل از این دو منظر توجه‌پذیر است:

عوامل ایده‌ای نامحدود. بررسی رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی از دریچه نظریه امنیت هستی‌شناختی، انگیزه‌های بریتانیا برای شکل‌دهی به چنین رابطه‌ای را روشن می‌کند و برخلاف رویکردهای نظری سنتی، آن را قادر می‌سازد تا به دلایل ظهور و تداوم رابطه ویژه پاسخی مناسب دهد. به‌عبارت دیگر، تداوم رابطه ویژه،

به‌عنوان اتحاد در زمان تعارض منافع دو متحد، مفروضه‌های رئالیستی و لیبرالیستی را به‌منزله نظریه‌های سنتی روابط بین‌الملل به چالش کشیده است. درحالی‌که این رویکردها، بر اساس اصول کلی مفروضه‌های سنتی همچون اصل هزینه‌فایده، فروپاشی اتحادها را در زمان تعارض‌های بین طرفین امری طبیعی معرفی می‌کنند (Wallace, 2005)، در نظریه امنیت هستی‌شناختی، با تمرکز بر عوامل ایده‌ای همچون روایت‌های مشترک، حفظ هویت، و اطمینان‌شناختی (در مقابل، ناهماهنگی شناختی^۱)، استدلال می‌شود که درگیری‌ها و تعارض‌ها، به‌تنهایی به اتحادها، و در مطالعه حاضر به رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی پایان نمی‌بخشد. این نظریه، با ارجحیت‌بخشیدن به امنیت هستی‌شناختی (بودن)^۲ نسبت به امنیت فیزیکی (بقا)^۳، بر این دلالت دارد که تا زمانی که اتحادها نیازهای حداقل یکی از اعضای خود را نسبت به اطمینان‌شناختی و امنیت هستی‌شناختی تأمین کنند، به بقای خود ادامه خواهند داد. به‌بیان دیگر، بین پتانسیل شرایط تهدیدآمیز، و پیدایش و پایداری اتحادها در روابط بین‌الملل رابطه مستقیمی وجود دارد. بنابراین، منطقی است که دولت‌ها، به‌عنوان جویندگان امنیت هستی‌شناختی، برای تشکیل اتحاد با دولت‌های دارای روایت‌های مشترک بیشتر، از انگیزه لازم برخوردار باشند تا در زمان افزایش ناامنی هستی‌شناختی و نگرانی‌های وجودی، داستان‌های تسکین‌دهنده درباره خود و دیگری برایشان فراهم آید؛ صرف‌نظر از اینکه تا چه اندازه میزان انگیزه‌های مادی یا هنجاری اتحاد، و یا تعهد به اتحاد غیرمنطقی به‌نظر برسد (Steele, 2005: 538). در این رابطه، عضو نیازمند به امنیت هستی‌شناختی ممکن است در صورت تعارض منافع تلاش کند تا اتحاد را بازسازی کند یا در موقعیت خود در آن تجدیدنظر کند، اما به دلیل نگرانی‌های هویتی، خارج‌شدن از اتحاد آخرین انتخاب آن خواهد بود.

قدرت نامتوازن (اتحاد نامتعادل). مزیت دوم نظریه امنیت هستی‌شناختی نسبت به نظریه‌های سنتی جریان اصلی، به قدرت نامتوازن دو عضو در رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی بازمی‌گردد. پارادایم‌های سنتی رئالیسم و لیبرالیسم، شکل‌گیری اتحادها را امری برونزاد^۴ و بر اساس اصول کلی مانند هزینه‌فایده، منافع جمعی یا امنیت دسته‌جمعی می‌دانند. برای نمونه، از نظر رئالیست‌ها بین عدم‌تقارن قدرت

1. cognitive dissonance
2. being
3. survival
4. exogenous

و انسجام اتحاد در روابط بین‌الملل رابطه معکوس وجود دارد. همان‌طور که آرنولد وولفرز بیان می‌کند: «اختلاف فاحش در توانایی و قدرت اعضا، انسجام اتحاد را کاهش می‌دهد» (Wolfers, 1959: 5). به عبارت دیگر، «تفاوت در قدرت نسبی اعضای اتحاد ممکن است به ایجاد اختلاف در اتحاد منجر شود» (Calvocoressi, 1966: 361).

به نظر نمی‌رسد که این‌گونه دیدگاه‌ها درباره روابط ویژه آنگلو-آمریکایی چندان قابل تأیید باشد. از این منظر، مفروضه‌های نظریه امنیت هستی‌شناختی صفحه جدیدی را در ارتباط با روابط قدرت در اتحاد‌های بین‌المللی می‌گشاید. در این راستا، اعضا ممکن است برای حفظ امنیت هستی‌شناختی خود، وابستگی یا نیاز یکسانی برای حفظ اتحاد احساس نکنند. بریتانیای پس از جنگ، در مقایسه با ایالات متحده، منابع جایگزین کمتری برای امنیت هستی‌شناختی خود داشته و در حفظ هویت خود آسیب‌پذیرتر بوده است؛ بنابراین، به بازسازی امنیت هستی‌شناختی خود احساس نیاز بیشتری کرده است. با توجه به این موضوع، بریتانیا خود را وابسته‌تر به رابطه ویژه پیدا کرده است تا در این چارچوب، هویت خود را با کمک روایت‌های مشترک گسترده با ایالات متحده تضمین کند. بنابراین، منطقی است که از بریتانیا، به‌عنوان عضو کوچک‌تر رابطه، انتظار داشته باشیم که در روابط خود با آمریکا انعطاف‌پذیرتر باشد یا به عبارتی فداکاری‌های بیشتری در جهت حفظ آن انجام دهد. از سوی دیگر، ایالات متحده با آگاهی از نیازهای امنیت هستی‌شناختی شریک خود، ممکن است در زمان بروز تعارض منافع از این شرایط به نفع خود بهره ببرد.

الف) بریتانیا و حفظ رابطه ویژه: از تعارض منافع تا تاب‌آوری

همان‌طور که گفتیم، پیامدهای جنگ جهانی دوم برای بریتانیا بسیار پرهزینه بود و به نگرانی‌های امنیتی هستی‌شناختی و بحران‌های هویتی برای این پادشاهی منجر شد. بر این اساس، تلاش بریتانیا پس از جنگ در جستجوی امنیت هستی‌شناختی و بنابراین، تلاش برای ظهور رابطه ویژه در پاسخگویی به نیازهای امنیتی هستی‌شناختی خود، به درک فرایندهای رفتاری این دولت و تعهد قاطعانه‌اش به حفظ رابطه ویژه حتی در زمان بروز تعارض منافع با ایالات متحده کمک کرد. به عبارت دیگر، این مفروض توضیح بهتری است برای آن دسته رفتارهای سیاست خارجی بریتانیا که از نظر اصول کلی نظریه‌های جریان اصلی مانند رئالیسم و لیبرالیسم چندان منطقی به نظر نمی‌رسید. در این راستا،

ملی شدن نفت ایران، یا آنچه بریتانیایی‌ها آن را بحران نفتی ایران^۱ نامیده‌اند، همچنین خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای برجام^۲ یکی از جدیدترین مسائلی هستند که می‌توان آن‌ها را در زمره مهم‌ترین تعارض‌های منافع میان بریتانیا و ایالات متحده پس از برقراری رابطه ویژه به‌شمار آورد؛ رویدادهایی که هر یک به‌تنهایی درک عمیق‌تری را از اهمیت حفظ رابطه ویژه برای بریتانیا نشان می‌دهد.

در دوران ملی‌شدن صنعت نفت ایران در فاصله سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ش / ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۳م، ایالات متحده به‌منظور تقویت ملی‌گرایی ایرانی و در راستای جلوگیری از نفوذ اتحاد جماهیر شوروی، در حالی با ملی‌شدن شرکت نفت ایران-انگلیس^۳ مخالفتی نکرد که این شرکت منبع حیاتی دارایی‌های خارجی بریتانیا بود و ملی اعلام‌شدن آن از سوی ایران ضربه هولناکی به اقتصاد فروپاشیده پادشاهی پس از جنگ جهانی دوم تلقی می‌شد (محمدپور و سعیدآبادی، ۱۴۰۰: ۱۱۴). در این دوران، تعارض منافع میان دو کشور تا جایی پیش رفت که تفکر غالب در جامعه بریتانیا بر این بود که آمریکایی‌ها قصد دارند موقعیت بریتانیا را در ایران غصب و منافع بریتانیا را قربانی سیاست‌های خود کنند (Marsh, 1998: 531). همچنین، تحلیل رفتار بریتانیا در جریان خروج یک‌جانبه ایالات متحده از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و در تعارض کامل با منافع بریتانیا، چگونگی تعهد قاطعانه این کشور به رابطه ویژه با ایالات متحده را به‌خوبی نشان می‌دهد. در این دوران، بریتانیا که در ابتدا از منتقدان سیاست ترامپ در قبال برجام بود و خروج آمریکا را تهدیدکننده ثبات خاورمیانه می‌دانست، با پافشاری این کشور بر موضع خود، به‌تدریج مواضع خود را در انتقاد از آمریکایی‌ها تعدیل کرد و هرچه زمان به جلو می‌رفت، سیاست‌های این کشور در قبال برجام شباهت بیشتری به سیاست‌های آمریکا پیدا می‌کرد. این تغییر سیاست که از دولت ترزا می شروع شده بود، در دولت بوریس جانسون به اوج خود رسید و مقام‌های بریتانیایی به‌وضوح از ایران انتقاد می‌کردند. به‌عبارت دیگر، بریتانیایی‌ها که در ابتدا و در چارچوب سه کشور اروپایی، در قبال خروج یک‌جانبه این کشور از برجام سیاست خارجی مستقلی از ایالات متحده اتخاذ کرده بودند، پس از پافشاری و قاطعیت آمریکایی‌ها در خروج از برجام و وضع

1. abadan crisis
2. Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA)
3. Anglo-Iranian Oil Company

تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، به نقش میانجی تقلیل پیدا کردند. در نهایت و در جریان توقیف نفت‌کش ایران در جبل‌الطارق به‌دست بریتانیا در سال ۲۰۱۹م، به رویارویی با ایران نیز ختم شد (محمدپور و سعیدآبادی، ۱۴۰۰: ۱۲۸).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مطالعه رفتار سیاست خارجی بریتانیا در دو مورد از تعارض منافع با ایالات متحده که پیش‌تر ذکر کردیم و در هر دو مورد نیز نتیجه حاصل‌شده در تعارض با منافع بریتانیا بود، تصویری واضح از ملاحظات بزرگ‌تر پادشاهی بریتانیا درباره اهمیت حفظ رابطه ویژه و عدم تمایل به افزایش تنش با ایالات متحده ارائه می‌دهد. در حقیقت، عضو کوچک‌تر رابطه ویژه (بریتانیا)، همواره ناچار بوده است سیاست‌های خود را در راستای منافع طرف قدرتمندتر سازگار کند تا بدین وسیله رابطه ویژه را حفظ کند (Steele, 2005: 539). این سازوکار تاب‌آوری در زمان بروز تعارض منافع بین دو متحد، عاملی حیاتی برای تثبیت رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی بوده است (Wallace & Phillips, 2009). به عبارت دیگر، اجتناب پادشاهی بریتانیا از اتخاذ سیاست‌های خصمانه علیه آمریکا در جریان ملی شدن نفت ایران و یا خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام در ۲۰۱۸م که در تضاد با منافع ملی بریتانیا بوده است، نمونه‌های ملموسی از این‌گونه رفتارهای به‌ظاهر غیرمنطقی است که به‌سختی در چارچوب دیدگاه‌های رئالیستی یا لیبرالیستی توضیح‌دانی است. در مطالعه حاضر اما، با به‌کارگیری مفهوم امنیت هستی‌شناختی، رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی را نمونه‌ای از عالی‌ترین مرحله رابطه‌ای بین‌المللی می‌دانیم که در آن اعضا با سطح بالایی از اشتراک‌های فرهنگی به بازتولید روایت‌های مشترک و هویت جمعی کمک می‌کنند. در این راستا، هویت جمعی از آنگلو-ساکسونیسم که «ویژگی» مهم رابطه ویژه بریتانیا و ایالات متحده است، با تثبیت اشتراک‌های فرهنگی، همچنین ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، به تولید روایت‌های مشترک میان آن‌ها کمک می‌کند (Haglund, 2020: 37). در چارچوب نظریه امنیت هستی‌شناختی، جایگاه آسیب‌دیده و به‌خطراتادن هویت بریتانیایی در نظام پس از جنگ جهانی دوم و عدم اطمینان به «دیگران» در چنین نظام مبهمی انگیزه اصلی این پادشاهی در شکل‌گیری رابطه ویژه با ایالات متحده (به‌عنوان اتحاد رهبر-پیرو) در نظر گرفته شده است و تلاش برای حفظ و تداوم آن را در چارچوب تأمین نیازهای امنیت‌هستی‌شناختی توجیه می‌کند. بنابراین، همان‌گونه که گفتیم، امنیت هستی‌شناختی برای بریتانیایی‌ها سازوکار تاب‌آوری در اتخاذ سیاست‌های به‌ظاهر

غیرمنطقی (همچون قربانی کردن منافع مادی در دو نمونه ذکر شده) در جهت حفظ رابطه ویژه انگلو-آمریکایی بوده است.

آنچه برای پیشبرد مفهوم امنیت هستی‌شناختی در متون مربوط به رابطه ویژه انگلو-آمریکایی ترسیم می‌شود، نشان‌دادن این مسئله است که چگونه این مفهوم ظهور و ثبات این مشارکت را حتی در زمان تعارض منافع میان دو متحد توضیح می‌دهد. از این چشم‌انداز، نظریه امنیت هستی‌شناختی پاسخی به مراتب قابل قبول‌تر است در پاسخ به این پرسش‌ها که چرا پیش از جنگ جهانی دوم رابطه ویژه‌ای (به مفهوم خاص خود) میان بریتانیا و ایالات متحده وجود نداشت؛ یا به بیان دیگر، چرا در زمان بروز ناامنی هستی‌شناختی برای یکی از دو کشور (بریتانیا)، چنین رابطه و اتحادی پایه‌ریزی شد.

۵. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، به‌عنوان مطالعه‌ای نظری، تلاش شده است تا بررسی شود چگونه نیازهای امنیت هستی‌شناختی دولت‌ها بر شکل‌گیری اتحادها و ائتلاف‌ها در روابط بین‌الملل تأثیرگذار است. در این راستا و با بررسی دلایل شکل‌گیری رابطه ویژه انگلو-آمریکایی و چرایی تداوم آن در زمان بروز تعارض منافع میان دو عضو آن، بر این مسئله تأکید شده است که نظریه امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل، در مقایسه با نظریه‌های جریان اصلی سنتی، درک بهتری از موضوع مورد پژوهش فراهم می‌آورد.

در چند دهه اخیر، مفهوم امنیت هستی‌شناختی در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ابعاد مختلفی توسعه یافته است. برخی محققان روابط بین‌الملل تلاش کرده‌اند این مفهوم را از سطح فردی-گروهی (Laing, 1965; Giddens, 1991) به سطح دولت‌ملت و نظام بین‌الملل (Steele, 2008; Mitzen, 2006a) ارتقا دهند. این محققان بر این باورند که به‌همان اندازه که افراد به احساس امنیت «خود» نیاز دارند و به‌دنبال تداوم هویت خود از طریق روال‌های و روایت‌های مشترک در جامعه هستند، دولت‌ها نیز، به‌عنوان کنشگران در جامعه بین‌المللی، علاوه بر امنیت فیزیکی، قدرت نظامی و منافع ملی، به‌دنبال تأمین «هویت» خود هستند. بنابراین، دولت‌ها «روایت‌های زندگی‌نامه‌ای» مرتبط با هویت می‌سازند تا به تصمیم‌ها و رفتارهای خود در نظام بین‌الملل معنا ببخشند و از این طریق توجیهی منطقی برای اقدام‌های خود فراهم آورند. به‌عبارت دیگر، نیاز به احساس

پایدار دولت‌ها از «هویت خود» را می‌توان برای توجیه سیاست‌های خاص یا حتی به‌ظاهر غیرمنطقی آن‌ها، به‌ویژه سیاست‌هایی به‌کار گرفت که ممکن است با مفروض‌های رویکردهای سنتی و ادبیات مرتبط با «امنیت (فیزیکی) برای بقا» هم‌راستا نباشد.

درحالی‌که در نظریه‌های جریان اصلی در روابط بین‌الملل، صرف‌نظر از اینکه دولت‌ها به‌دنبال چه چیزی هستند یا به آن اعتقاد دارند، همکاری یا تعارض بین‌المللی «متغیرهای برون‌زا» در نظر گرفته می‌شود که بر رفتار بین‌المللی دولت تأثیر می‌گذارد (Legro & Moravcsik, 1999: 18)، در نظریه امنیت هستی‌شناختی تشکیل و تداوم اتحادها در چارچوب «نیازهای هویتی» بازیگران بین‌المللی، یعنی نیاز به دستیابی به احساس «خود» و تضمین پایداری آن، مطالعه می‌شود. این بدان معناست که منبع امنیت، موقعیت ذهنی باثباتی است ناشی از احساس تداوم و نظم، و هرگونه تغییر در این نظم، نگرانی و اضطراب ایجاد می‌کند و احساس تداوم دولت را به خطر می‌اندازد.

بر این اساس، از آنجاکه هویت دولت‌ها به امنیت هستی‌شناختی آن‌ها بستگی دارد، این مفهوم در متون این نظریه مهم‌تر از امنیت فیزیکی یا حداقل با همان درجه اهمیت در نظر گرفته می‌شود. به‌عبارت دیگر، هویت خود دولت‌ها که از طریق روایت‌های زندگی‌نامه‌ای شکل می‌گیرد و توسعه می‌یابد، راهنمای رفتار دولت‌ها برای پیگیری سیاست‌های معین در عرصه بین‌المللی است. بنابراین، بی‌ثباتی روایت‌هایی که دولت‌ها به آن‌ها وابسته‌اند، آن‌ها را مملو از «اضطراب‌های وجودی» و فلج‌کننده می‌کند. به‌همین دلیل است که همه دولت‌ها به روایت‌های زندگی‌نامه‌ای منسجم و احساسی پایدار از خود نیاز دارند تا با طرح «داستان‌های تسکین‌دهنده» در زمان افزایش ناامنی هستی‌شناختی، اضطراب‌های اساسی و نگرانی‌های وجودی خود را مدیریت کنند.

در مطالعه حاضر، رابطه ویژه انگلو-آمریکایی که فرازونشیب‌های فراوانی را در طول حیات خود سپری کرده است، اتحادی توصیف می‌شود که در آزمون ثبات و پایداری به موفقیت رسیده است، چراکه در زمان بروز اختلاف‌ها و منافع متعارض میان دو عضو آن، همچنان باثبات باقی مانده است. در مقایسه با رویکردهای جریان اصلی سنتی، در چارچوب نظری این پژوهش، به‌طور منطقی‌تری رفتارهای خاص یا به‌ظاهر غیرمنطقی بریتانیا، مانند پذیرش نقش کوچک‌تر در رابطه ویژه و یا فداکاری بیشتر برای حفظ آن توضیح داده شده

است. بر این اساس، استدلال اصلی در پژوهش حاضر این بوده است که رابطه ویژه، به عنوان منبع مهم امنیت هستی‌شناختی، در تأمین نیاز احساس «خود» برای بریتانیای پس از جنگ جهانی دوم نقش بسزایی ایفا کرده است. بنابراین، در نظریه امنیت هستی‌شناختی، مباحث جدیدی درباره علل شکل‌گیری و پایداری رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی به‌ویژه در زمان‌های بروز تعارض منافع میان دو متحد مطرح می‌شود. به‌عبارت دیگر، نظریه امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل سبب می‌شود از میزان بهره‌مندی بریتانیا از رابطه ویژه در برآورده کردن نیازهای امنیتی هستی‌شناختی آن و چگونگی رابطه ویژه با ایالات متحده برای هویت خود و موقعیت بین‌المللی این پادشاهی پس از جنگ دوم حیاتی درک بهتری بیابیم. در این راستا، نیازهای امنیت هستی‌شناختی برای بریتانیا در زمان تعارض منافع با متحد قوی‌تر خود، نوعی سازوکار تاب‌آوری یا انعطاف‌پذیری بوده است که به توضیح بهتر وابستگی و تمایل این کشور به حفظ رابطه ویژه، حتی به قیمت به‌خطراتادن منافع ملی بریتانیا، کمک می‌کند. بنابراین، انتظار این است که سیاست‌های بریتانیا همچنان در جهت حفظ و تقویت رابطه با آمریکا حتی در زمان تعارض منافع با این کشور، برنامه‌ریزی شود.

به‌طور خلاصه، در این مطالعه دو استدلال محوری درباره رابطه ویژه آنگلو-آمریکایی و نقش امنیت هستی‌شناختی در شکل‌گیری و ثبات آن پس از جنگ جهانی دوم به‌دست آمد.

استدلال نخست پژوهش حاضر این است که کشورهای قدرتمند با سطح بالایی از قرابت‌های تاریخی، فرهنگی، زبانی و قومی می‌توانند منابع بالقوه امنیت هستی‌شناختی در نظر گرفته شوند. در چارچوب نظری این مقاله، با استفاده از متون موجود درباره مفهوم امنیت هستی‌شناختی در سطوح تحلیل فرد و دولت، به تفصیل توضیح داده شده است که چگونه دولت‌هایی که دغدغه‌های هویتی در نظام بین‌الملل دارند، برای رفع نیازهای امنیتی هستی‌شناختی، به‌دنبال ایجاد اتحاد یا برقراری روابط مستحکم با دولت‌هایی هستند که اشتراک‌های هویتی و روایت‌های مشترک قابل توجهی با آن‌ها دارند. به بیان ساده‌تر، روایت‌های مشترک بین دو دولت نقاط کانونی ثبات و پایداری برای حفظ هویت «خود» و معنابخشیدن به اقدام‌های بین‌المللی یک کشور فراهم می‌آورد.

دوم اینکه، اضطراب وجودی، مانند آنچه بریتانیای پس از جنگ جهانی دوم (با آن گذشته شکوهمند پیش از جنگ) با آن مواجه بود، تا اندازه‌ای به تولید

نامنی هستی‌شناختی دامن می‌زند که ممکن است به‌طور قابل‌توجهی به اتخاذ سیاست‌های به‌ظاهر غیرمنطقی برای حل‌وفصل شرایط عدم‌اطمینان در مورد هویت آن‌ها منجر شود؛ رفتارهایی که به‌نظر می‌رسد با برخی مفروض‌های کلی نظریه‌های سنتی جریان اصلی مانند رئالیسم و لیبرالیسم همراه نباشد. از این منظر، پذیرش نقش کوچک‌تر در اتحاد و قربانی کردن منافع ملی برای حفظ آن، یا ایجاد درگیری و به‌خطرانداختن امنیت فیزیکی دولت در تأمین امنیت هستی‌شناختی، نمونه‌هایی از این رفتارها در نظر گرفته می‌شوند. اگرچه در رئالیست چنین رفتارهایی از طریق معضل امنیتی ریشه‌یابی می‌شود، نگاه از دریچه نظریه امنیت هستی‌شناختی، با اولویت‌بخشیدن به امنیت هستی‌شناختی نسبت به امنیت فیزیکی، درک بهتری را از تداوم رابطه و ویژه‌انگلو-آمریکایی، علی‌رغم وجود تعارض منافع در برخی سیاست‌های دو متحد، فراهم می‌آورد.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ‌گونه تعارض منافع نیست.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان در تألیف این مقاله مشارکت یکسان داشته‌اند.

اصول اخلاقی

نویسندگان در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته‌اند؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد؛ و نویسندگان در قبال تألیف این اثر خود وجهی دریافت نکرده‌اند و این مقاله حاصل تحقیقات خود ایشان است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته‌اند.

دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر در خصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مسئول مکاتبه شود.

منابع

محمدپور س، سعیدآبادی مر. (۱۴۰۰). «درک متقابل بریتانیا و ایالات متحده از اهمیت رابطه

- ویژه: از ملی شدن نفت ایران تا توافق برجام». پژوهش‌های روابط بین‌الملل. ۱۱(۱): ۱۰۳-۱۳۲. <https://doi.org/10.22034/irr.2021.130931>
- Abdelrehim N. (2010). *Oil Nationalisation and managerial disclosure: The case of Anglo-Iranian oil company, 1933-1951*. Doctoral Thesis. York: University of York.
- Bell D. (2007). *The Idea of Greater Britain: Empire and the Future of World Order, 1860-1900*. Princeton: Princeton University Press.
- Berenskoetter F. (2012). "Parameters of a national biography". *European Journal of International Relations*. 20(1): 262-288. <https://doi.org/10.1177/1354066112445290>.
- Browning CS, Joenniemi P, Steele BJ. (2021). *Vicarious Identity in International Relations: Self, Security, and Status on the Global Stage*. Oxford: Oxford University Press.
- Burk K. (2009). *Old World, New World the Story of Britain and America*. London: Abacus.
- Calvocoressi P. (1966). "Europe's alliance blues". *The Political Quarterly*. 37(4): 357-365. <https://doi.org/10.1111/j.1467-923x.1966.tb00234.x>.
- Campanella E. (2019). *Birth of an Idea*. M. Dassù (Ed.). *Anglo Nostalgia: The Politics of Emotion in a Fractured West* (pp. 81-104). Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oso/9780190068936.003.0005>.
- Dunne T. (2004). "When the shooting starts": Atlanticism in British security strategy". *International Affairs*. 80(5): 893-909. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2346.2004.00424.x>.
- Giddens A. (1991). *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age*. Cambridge: Polity press.
- (1984). *The Constitution of Society: Outline of the Theory of Structuration*. Berkeley: University of California Press.
- Haglund D. (2020). *Us "Culture Wars" and the Anglo-American Special Relationship*. Berlin: Springer Nature.
- Hesjedal T, Mustad JE. (2022). *The dismantling of the British Empire - Engelsk 2 - NDLA*. ndla.no. Retrieved March 25, 2023, from <https://ndla.no/nb/subject:6e2e2319-cb8a-4dd2-b382-e30f001633bb/topic:e468e682-4ae7-4e37-ab34-d24506a0e586/resource:6d9e1f5b-2269-4bf7-b098-4745cbf99bee>.
- Innes AJ. (2014). "Performing Security Absent the State: Encounters with a Failed Asylum Seeker in the UK". *Security Dialogue*. 45(6): 565-81. <https://doi.org/10.1177/0967010614540026>.
- Kinnvall C. (2004). "Globalization and Religious Nationalism: Self, Identity, and the Search for Ontological Security". *Political Psychology*. 25(5): 741-67. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9221.2004.00396.x>.
- Kinnvall C, Mitzen J. (2020). "Anxiety, fear, and ontological security in world politics: Thinking with and Beyond Giddens". *International Theory*. 12(2): 240-256. <https://doi.org/10.1017/s175297192000010x>.
- Krebs RR. (2015). *Narrative and the Making of Us National Security*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Laing RD. (1965). *The Divided Self*. New York, Pantheon Books.
- Lang AF. (2002). *Agency and Ethics: The Politics of Military Intervention*. Albany: State University of New York Press
- Legro JW, Moravcsik A. (1999). "Is anybody still a realist?" *International Security*. 24(2): 5-55. <https://doi.org/10.1162/016228899560130>.
- Lodal J. (2001). *The Price of Dominance: The New Weapons of Mass Destruction and Their Challenge to American Leadership*. Washington: Brookings Institution Press.
- Marsh S. (1998). "The Special Relationship and the Anglo-Iranian oil crisis, 1950-4". *Review of International Studies*. 24(4): 529-544. doi:10.1017/s0260210598005294.

- Marsh S, Baylis J. (2006). "The Anglo-american special relationship: The Lazarus of international relations". *Diplomacy & Statecraft*. 17(1): 173-211. <https://doi.org/10.1080/09592290500533841>.
- Mitzen J. (2006a). "Ontological security in world politics: State identity and the security dilemma". *European Journal of International Relations*. 12(3): 341-370. <https://doi.org/10.1177/1354066106067346>.
- Morris J. (1968). *Pax Britannica: The Climax of an Empire*. New York: Harcourt, Brace & World.
- Reynolds D. (1985). "A 'special relationship'? America, Britain and the International Order since the Second World War". *International Affairs*. 62(1): 1-20. <https://doi.org/10.2307/2618063>.
- Rosen A. (2008). *The Transformation of British Life, 1950-2000: A Social History*. Manchester: Manchester University Press.
- Seeley JR. (2010). *The Expansion of England*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Shuckburgh E. (2000). *Descent to Suez: Diaries 1951-56*. London: Phoenix.
- Snyder GH. (1997). *Alliance Politics*. New York: Cornell UP.
- Steele BJ. (2008). *Ontological Security in International Relations: Self-Identity and the IR State*. New York: Routledge.
- (2005). "Ontological security and the power of self-identity: British neutrality and the American Civil War". *Review of International Studies*. 31(3): 519-540. <https://doi.org/10.1017/s0260210505006613>.
- Steele BJ, Browning CS, Joenniemi P. (2021). *Vicarious Identity in International Relations: Self, Security, and Status on the Global Stage*. Oxford University Press.
- Subotić J. (2015). "Narrative, ontological security, and foreign policy change". *Foreign Policy Analysis* [Preprint]. <https://doi.org/10.1111/fpa.12089>.
- Vucetic S. (2021). *Greatness and Decline: National Identity and British Foreign Policy*. Montréal: McGill-Queen's University Press.
- (2016). "British national identity and the Anglo-American Special Relationship". *Journal of Transatlantic Studies*. 14(3): 272-292. <https://doi.org/10.1080/14794012.2016.1200303>
- (2011a). *The Anglosphere a Genealogy of a Racialized Identity in International Relations*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- (2011b). "A racialized peace? how Britain and the US made their relationship special". *Foreign Policy Analysis*. 7(4): 403-422. <https://doi.org/10.1111/j.1743-8594.2011.00147.x>.
- Wallace W. (2005). "The collapse of British foreign policy". *International Affairs*. 81(1): 53-68. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2346.2005.00438.x>.
- (1991). "Foreign policy and national identity in the United Kingdom". *International Affairs*. 67(1): 65-80. <https://doi.org/10.2307/2621219>.
- Wallace W, Phillips C. (2009). "Reassessing the special relationship". *International Affairs*. 85(2): 263-284. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2346.2009.00793.x>.
- Wolfers A. (1959). "Stresses and strains in 'going it with others'". *Discord and collaboration: Essays on International Politics*. Baltimore: Johns Hopkins Univ. Press.
- Zarakol A. (2016). "States and ontological security: A historical rethinking". *Cooperation and Conflict*. 52(1): 48-68. <https://doi.org/10.1177/0010836716653158>.